



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)



<http://dx.doi.org/10.22067/PG.2024.84243.1236>

پژوهشی

مصادیق نظریه جنگ عادلانه در قرآن کریم

مهدی کریمی (استادیار، مرکز اسناد فرهنگی آسیا، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران)

m.karimi@ihcs.ac.ir

چکیده

تنش و منازعه میان واحدهای سیاسی در ابعاد مختلف داخلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی، سابقه‌ای به درازای زندگی بشر دارد و همواره در طول تاریخ بشر مشاهده شده است. ضرورت کنترل و نظارت هر چه بیشتر جنگ سبب توسعه مفهومی تحت عنوان جنگ عادلانه شده است. به مانند اغلب ادیان الهی، دین اسلام نیز به مفهوم جنگ عادلانه پرداخته است، اما بررسی کم و کیف این مسئله از منظر اسلام و علی‌الخصوص متن قرآن کریم کمتر مورد توجه پژوهشگران واقع شده است. این مقاله سعی دارد به مهم‌ترین مصادیق جنگ عادلانه در متن قرآن کریم بپردازد. سؤال اصلی پژوهش عبارت است از اینکه "مصادیق جنگ عادلانه در متن قرآن کریم چیست؟". این مقاله بحث می‌کند که دین اسلام اصولی برای جنگ عادلانه توسعه داده است که در سه ساحت (قبل، حین و پس از جنگ) و هیجده شرط قابل بررسی است و این سه ساحت و هیجده شرط آن مورد توجه قرآن کریم بوده است و مصادیقی از این ساحت‌ها و شروط آن‌ها در آیات مختلف قرآن کریم قابل مشاهده است. امید است کشف، شناسایی و توسعه این اصول بتواند زمینه کنترل و نظارت بر رفتارهای خشونت آمیز و علی‌الخصوص اقدامات جنگی انسان را فراهم آورد.

واژگان کلیدی: جنگ، جنگ عادلانه، اسلام، قرآن کریم.

مقدمه

تنش و منازعه میان واحدهای سیاسی در ابعاد مختلف داخلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی، سابقه‌ای به درازای زندگی بشر دارد و همواره در طول تاریخ سیاسی و اجتماعی انسان مشاهده شده است؛ به‌طوری که می‌توان گفت جنگ ویژگی دائمی تاریخ بشر است (Heywood, 2011). در مطالعات صلح، جنگ جایگاه ویژه‌ای دارد به‌طوری که اکثر مطالعات انجام‌شده و تلاش‌های انجام‌یافته برای ارائه تعریفی از صلح، متأثر از این پدیده بوده است؛ به‌عبارتی دیگر اغلب تعاریف ارائه‌شده از صلح، آن را نبود جنگ می‌دانند و این نشان‌دهنده دغدغه بشر و تلاش وی برای جلوگیری از جنگ بوده است (e.g. karimi, 2022).

جنگ و منازعه، نمود عینی و شدیدترین شکل اجرای تهدید بین افراد و گروه‌های اجتماعی و ملت‌ها است. در تعریف جنگ می‌توان گفت، "جنگ خشونت پایدار و هماهنگ شده بین نهادهای سیاسی است" (Levy)

5: 2011, Thompson &). یعنی اولاً، جنگ منازعه بین و یا داخل گروه‌های سیاسی است. این گروه می‌تواند شامل دولت‌ها (که به صورت سنتی بر سر قلمرو و یا منابع جنگ می‌کردند)، گروه‌های شورشی و یا سازمان‌های تروریستی شود. ثانیاً، جنگ امری سازمان‌یافته است که توسط نیروهای نظامی و یا افراد مسلح آموزش‌دیده انجام می‌گیرد که بر اساس استراتژی خاصی عمل می‌کنند. ثالثاً، جنگ با مقیاس آن متمایز از دیگر پدیده‌های متمایز است. سازمان ملل منازعه عمده را منازعه‌ای می‌داند که در نتیجه آن سالیانه ۱۰۰۰ نفر جان خود را از دست دهد. و نهایتاً اینکه، جنگ در یک مدت‌زمان خاصی رخ می‌دهد (Heywood, 2011). بر اساس همین احساس تهدید و مخاطره جنگ و ضرورت کنترل آن بود که مفاهیمی مانند جنگ عادلانه^۱ بسط یافت. به طور کلی مفهوم جنگ عادلانه در سه ساحت قابل بررسی است: ساحت اول به مسئله حق مبادرت به جنگ^۲ می‌پردازد؛ ساحت دوم، عمل جنگ یا حقوق مخاصمات^۳ را مورد بررسی قرار می‌دهد (Mahdavian and Eftekhari, 2018: 163) و ساحت سوم به مسئله عدالت در خاتمه جنگ و برقراری صلح^۴ معطوف است (Haj Esmaili and Habibollahi, 2012: 33). ساحت اول موضوعات و مباحثی مانند توجیه شروع جنگ، مسئله مشروعیت را دربرمی‌گیرد، ساحت دوم درباره موضوعاتی مانند چگونگی جنگ، مسئله استفاده از نوع سلاح‌ها و ساحت سوم نیز درباره نحوه اعلام صلح، مجازات متجاوز و ... است. به مانند اغلب ادیان الهی، دین اسلام نیز به مفهوم جنگ عادلانه پرداخته است. به عنوان مثال کتاب نهج البلاغه از مهم‌ترین آثار است که شاخص‌های جنگ عادلانه در آن انعکاس یافته است (e.g. Mahdavian and Eftekhari, 2018). از دیگر آثار که به این مفهوم پرداخته است، کتاب السیر الکبیر است. محمدبن حسن شیبانی در این کتاب به مسائلی مانند آداب جنگ، چگونگی تقسیم غنائم و ... پرداخته است. علی‌رغم آثار ارزشمندی که در این حوزه صورت گرفته است، توجه بسیار کمی به تحلیل مصادیق جنگ عادلانه در متن قرآن کریم شده است. بر همین اساس در این مقاله سعی می‌شود مهم‌ترین مصادیق جنگ عادلانه در متن قرآن کریم استخراج شود. سؤال اصلی پژوهش این‌گونه مطرح می‌شود که مصادیق جنگ عادلانه در متن قرآن کریم چیست؟

روش پژوهش

هدف پژوهش حاضر بررسی و تحلیل مصادیق جنگ عادلانه در متن قرآن کریم است. بر همین اساس، این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی و ابزار گردآوری اطلاعات نیز از نوع اسنادی است. روش تحلیل داده‌ها نیز از نوع کیفی و استنباطی است و نتیجه‌گیری نهایی این پژوهش به کمک روش کیفی انجام می‌گردد.

^۱. Just War

^۲. Jus as bellum

^۳. Jus in Bello

^۴. Just post bellum

پیشینه پژوهش

در پژوهش‌های صلح و جنگ و ادیان، پژوهش‌های متعددی در زمینه رویکرد ادیان الهی و بالأخص دین اسلام به مفهوم جنگ عادلانه صورت گرفته است. اما این پژوهش‌ها کمتر توانسته‌اند هر سه ساحت جنگ عادلانه را در دین اسلام پوشش دهند. تلاش در جهت رفع خلأ موجود در این زمینه بعد اول نوآوری این پژوهش است. بعد دوم نوآوری این پژوهش تمرکز صرف بر متن قرآن کریم در جهت کشف و استخراج اصول جنگ عادلانه است. این پژوهش نشان خواهد داد که اصول جنگ عادلانه مورد توجه قرآن کریم بوده است. در ادامه به برخی از مهم‌ترین آثار در این حوزه اشاره می‌شود.

لگنهاوزن (2008) در مقاله‌ای تحت عنوان "اسلام و جنگ عادلانه" به بررسی مفهوم جنگ عادلانه از نظرگاه دین اسلام می‌پردازد. این مقاله پس از مقدمه تفصیلی، شاخص‌های مسئله حق مبادرت به جنگ و عمل جنگ یا حقوق مخاصمات را در اسلام بررسی می‌کند و این‌گونه نتیجه‌گیری می‌کند که جهاد در تطابق با سنت جنگ عادلانه است. این مقاله در بخش‌هایی متن قرآن کریم و در بخش‌های دیگر نیز سیره نبوی را ملاک بررسی خود قرار می‌دهد.

نظیفی و جعفری (2011) در مقاله‌ای تحت عنوان "نگاهی تحلیلی بر مخاصمات مسلحانه در دو دیدگاه: اسلام و حقوق بین‌الملل" به بررسی مفهوم و ماهیت جنگ و مخاصمات مسلحانه در اسلام و حقوق بین‌الملل پرداخته و به این نتیجه رسیده است که مخاصمه در نظام اسلامی با حقوق بین‌الملل متفاوت است و فلسفه و ماهیت مخاصمات در نظام اسلامی جهاد فی سبیل الله است.

مجید خدوری و حیدرآبادی (2012) در کتابی تحت عنوان "جنگ و صلح در قانون اسلام" در بخش اصلی مقاصد اساسی قانون اسلام، قانون جنگ و قانون صلح به مباحثی مانند فلسفه و اقسام جهاد، روش‌های نظامی، ابتکار جنگ، غنائم جنگی و جنگ زمینی و دریایی پرداخته‌اند. همچنین، این کتاب سیره پیامبر اکرم (ص) در میدان جنگ را نیز مورد بررسی قرار داده و رفتار پیامبر در جنگ‌هایی مانند بدر، خندق، فتح مکه و جنگ با یهودیان را تحلیل کرده است.

حاج اسماعیلی و حبیب‌اللهی (2012) در مقاله‌ای تحت عنوان "بررسی و تحلیل اخلاق جنگ در قرآن و حدیث"، دیدگاه اسلام بر اساس آیات قرآن و روایات پیرامون این سؤال که آیا جهاد ابتدایی در اسلام توجیه اخلاقی دارد، تبیین و به برخی از شبهات و اشکالات پاسخ داده شده است. به بیان نویسندگان، توصیه اسلام به جنگ در چارچوب کلی جهان اسلام که بر محور توحید و عدالت استوار است، معنا و مفهوم پیدا می‌کند. از این رو بارزترین شرط جهاد در اسلام فی سبیل الله بودن آن است و شروع جنگ در اسلام مشروط به شرایطی چون مقابله با تجاوزگری، دفاع از مظلوم، رفع فتنه، فقدان راه حل مسالمت‌آمیز است.

رحیمی (۲۰۱۸) در مقاله‌ای تحت عنوان "بررسی اجمالی اهداف و ماهیت جنگ در اسلام و دیگر ادیان و مکاتب" با رویکردی تطبیقی به تبیین غایت جنگ در ادیان دیگر و غایت جنگ در اسلام پرداخته است. این مقاله سعی کرده است نشان دهد که اسلام و دیگر ادیان و مکاتب در اهداف نهایی جنگ باهم اتفاق نظر ندارند و این تفاوت در اهداف، شیوه‌ها و عملکردهای متفاوتی را در جنگ و صحنه به دنبال داشته است.

مقاله "نظریه جنگ عادلانه و اخلاق‌مداری در جنگ در میان مسلمانان (برپای آداب‌الحرب‌ها)" نوشته نورمحمدی نجف‌آبادی و همکاران (۲۰۱۸) از دیگر آثار مهم در این زمینه است. این مقاله، با تمرکز بر آداب‌الحرب‌های شناخته‌شده اسلامی ضمن معرفی نظریه جنگ عادلانه، انطباق آن با بایدها و نبایدهای اخلاقی جنگ از منظر مؤلفان این متون آموزشی را نشان داده است. در این پژوهش به جنبه‌ها و وجوه دیگری از اخلاق جنگ در این آثار مکتوب قرون میانی تاریخ اسلام (قرن دوم تا قرن نهم هجری قمری) پرداخته شده که در قالب توصیه‌های اخلاقی به فرماندهان و جنگ‌جویان آمده است.

مهدویان و افتخاری (۲۰۱۸) در مقاله‌ای تحت عنوان "شاخص‌های جنگ عادلانه در سیره نظامی امیرالمؤمنین (ع)" به مطالعه سیره نظامی حضرت در دو ساحت حق و عمل جنگ پرداخته است. بخش اول این مقاله به استخراج سؤالات کلیدی جنگ عادلانه در نظریات متعارف و بخش دوم آن به پاسخگویی این سؤالات از منظر سیره نظامی امیرالمؤمنین (ع) اختصاص دارد. این مقاله این‌گونه نتیجه‌گیری می‌کند که علت عادلانه را می‌توان اخلال در امنیت و بروز شکاف اجتماعی ناشی از بیعت شکنی عنوان کرد. در زمینه رفتار عادلانه نیز عنوان شده است که سیره حضرت در جنگ‌ها به گونه‌ای است که هرگاه دشمن، شمشیر بر زمین گذاشت، در امان بوده و حرمت زنان، مجروحان و اسیران حفظ می‌شد.

مبانی نظری پژوهش

۱. جنگ و جنگ عادلانه

همچنان که در مقدمه نیز اشاره شد، جنگ و منازعه نمود عینی و شدیدترین شکل اجرای تهدید بین افراد و گروه‌های اجتماعی و ملت‌ها است. در تعریف جنگ می‌توان گفت، "جنگ خشونت پایدار و هماهنگ شده بین نهادهای سیاسی است" (Levy & Thompson, 2011: 5). در کنار ابهام در مورد تعریف جنگ، مفهوم جنگ عادلانه نیز خود مورد مناقشه است. به بیان مهدویان و افتخاری (۲۰۱۸) سه سنت فکری در این زمینه وجود دارد: (۱) جنگ عادلانه به مثابه جنگ برای صلح: سنت اگوستین به عنوان پدر سنت جنگ عادلانه شناخته می‌شود. وی معتقد بود، جنگ عادلانه به منظور رسیدن به صلح و آرامش است و جنگ‌طلبی ناقض صلح است. اگوستین جنگ عادلانه را به عنوان تلافی صدمات تحمیل‌شده تعریف می‌کند؛ (۲) جنگ عادلانه منهای نگاه ایدئولوژیک: گروسیوس پیشرو این سنت فکری است و تلاش داشت تا نگاه ایدئولوژیک را از

جنگ عادلانه حذف و آن را در چارچوب اصول حقوقی بازتعریف کند. بر اساس این سنت، جنگی که بر اساس ضوابط حقوقی مجاز دانسته می‌شد، جنگی عادلانه بود. ۳) جنگ عادلانه به مثابه جنگ دفاعی: با امضای پیمان وستفاليا مسئله جنگ عادلانه به مفهوم دقیق کلمه از حقوق بین‌الملل حذف شد، اما پس از فجایع جنگ جهانی اول مسئله جنگ عادلانه دوباره مورد توجه قرار گرفت. در نتیجه، بر امر دفاع مشروع تأکید شد و عموماً از جنگ عادلانه، معنای دفاع مشروع اراده می‌شد (7-166).

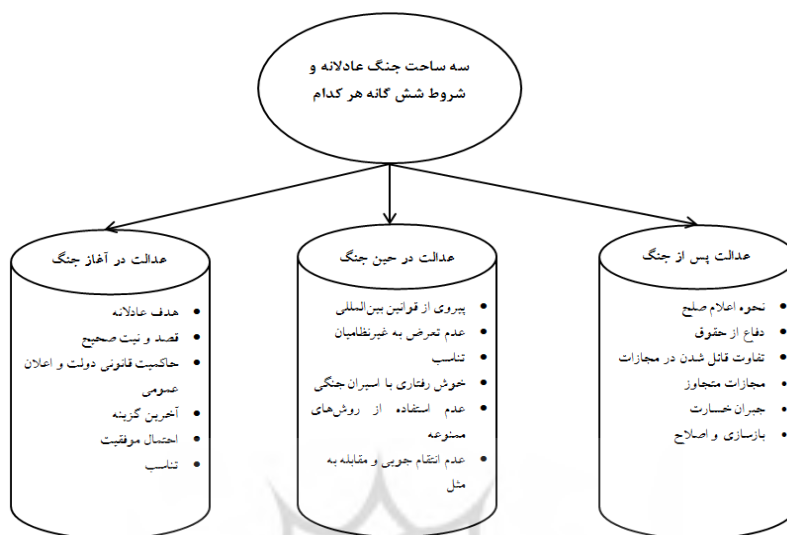
۲. نظریه جنگ عادلانه

نظریه جنگ عادلانه حاصل تلاش‌های متفکران علوم انسانی برای تبیین رابطه بین اخلاق و جنگ است. ادعای اصلی این نظریه این است که جنگ فی‌نفسه بد و غیراخلاقی نیست، بلکه در مواردی و تحت شرایط خاص، از نظر اخلاقی توجیه‌پذیر است. اورند (2004) شرایط عادلانه بودن جنگ را در سه ساحت بیان می‌کند:

- یک: عدالت در آغاز جنگ که دارای شش شرط است و بیشتر متمرکز بر وظایف دولت‌ها است:
 - هدف عادلانه: این شرط مهم‌ترین شرط برای عادلانه بودن جنگ است. دولت‌ها تنها با داشتن دلیل منطقی و معقول می‌توانند آغازگر جنگ باشند. دلیل و هدف عادلانه دفاع از خود و کشور ثالث در برابر متجاوزگر را توجیه می‌کند.
 - قصد و نیت صحیح: داشتن هدفی عادلانه و از نظر اخلاقی درست از دیگر شروط جنگ عادلانه است. انگیزه‌های غیراخلاقی مانند تصرف سرزمین و غیره این شرط را نقض می‌کند.
 - حاکمیت قانونی دولت و اعلان عمومی: فقط دولت دارای حاکمیت مشروع مرجع قانونی آغازگر جنگ است و آغاز جنگ تنها زمانی مشروع است که نهاد مشروع، آغاز آن را رسماً اعلام کند.
 - آخرین گزینه: شروع جنگ زمانی عادلانه است که تمامی راه‌های صلح‌آمیز مانند گفتگو یا تحریم‌های بین‌المللی برای حل منازعه ناکارآمد باشند.
 - احتمال موفقیت: جنگ تنها در صورتی می‌تواند شروع شود که امکان نیل به اهداف از قبل تعیین‌شده وجود داشته باشد.
 - تناسب: قبل از شروع جنگ، دولت‌ها باید اقدام به بررسی هزینه و فواید عمومی منتج از جنگ کنند.
- دو: عدالت در حین جنگ که دارای شش شرط بوده و اصولی است که افراد درگیر در جنگ موظف به رعایت آن‌ها هستند:
 - پیروی از قوانین بین‌المللی: این شرط ناظر بر عدم استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی است.

- عدم تعرض به غیرنظامیان: نیروهای نظامی باید از اقدامات نظامی بر علیه غیرنظامیان خودداری کنند. مانند بمباران شهرها.
- تناسب: نیروهای نظامی باید تناسب بین نوع سلاح و هدف تعیین شده در آغاز جنگ را رعایت کنند.
- خوش رفتاری با اسیران جنگی: اسیران جنگی جزو افراد درگیر در جنگ نیستند و نباید در معرض قتل، گرسنگی، تجاوز و غیره قرار گیرند و باید تا پایان جنگ در اردوگاه‌های مخصوص دور از صحنه جنگ نگهداری شوند.
- عدم استفاده از روش‌های ممنوعه: روش‌های غیرانسانی مانند تجاوز جنسی، استفاده از سم، استفاده از اسیران در جنگ بر علیه هم‌وطنان ممنوع است.
- عدم انتقام‌جویی و مقابله به مثل: نقض قوانین اخلاقی و بین‌المللی از سوی کشور متخاصم نمی‌تواند انتقام‌جویی و مقابله به مثل از سوی طرف مقابل را توجیه کند.
- سه: عدالت پس از جنگ و ایجاد صلح که دارای شش شرط بوده و اصولی است که افراد درگیر در جنگ موظف به رعایت آن‌ها هستند:
 - نحوه اعلام صلح: اعلام صلح باید معقول و حساب‌شده بوده و به‌صورت عمومی اعلام شود.
 - دفاع از حقوق: این شرط ناظر بر استیفای حقوق همه افرادی است که در نتیجه جنگ نقض شده است.
 - تفاوت قائل شدن در مجازات: این شرط ناظر بر تفاوت قائل شدن در مجازات افراد دخیل در جنگ مانند رهبران، نیروهای نظامی مافوق، سربازان عادی و مردم عادی است.
 - مجازات متجاوز: بسته به میزان نقض حقوق بین‌المللی از طرف کشور شکست‌خورده، برای رهبران و نیروهای نظامی این کشور بایستی مجازات عادلانه در نظر گرفته شود.
 - جبران خسارت: این شرط ناظر بر جبران خسارت‌های افراد خسارت‌دیده از جنگ از سوی کشور شکست‌خورده است. البته این جبران خسارت باید طوری در نظر گرفته شود که امکان بازسازی زیرساخت‌های کشور شکست‌خورده را متوقف نسازد.
 - بازسازی و اصلاح: این شرط ناظر بر اصلاح زیرساخت‌های سیاسی و نظامی کشور شکست‌خورده است.
- همچنان که بحث شد، به‌طورکلی مفهوم جنگ عادلانه در سه ساحت (هرکدام با شش شرط جهت عادلانه بودن) قابل بررسی است: ساحت اول به مسئله حق مبادرت به جنگ (عدالت در آغاز جنگ)، ساحت دوم،

عمل جنگ یا حقوق مخاصمات (عدالت در حین جنگ) و ساحت سوم به مسئله عدالت در خاتمه جنگ و برقراری صلح معطوف است. شکل ۱ ارتباط سه ساحت مذکور را با مفهوم جنگ عادلانه نشان می‌دهد.



شکل ۱. سه ساحت جنگ عادلانه

(Authors)

بخش بعدی مقاله متمرکز بر انطباق سه ساحت مذکور جنگ عادلانه و شروط هر کدام از این ساحت‌ها بر متن قرآن کریم خواهد بود. در واقع سعی خواهد شد برای هر کدام از این ساحت‌ها و شروط جنگ عادلانه مصادیقی در متن قرآن کریم یافت شود.

یافته‌های پژوهش

۱. مسئله حق مبادرت به جنگ در قرآن (عدالت در آغاز جنگ)

همچنان که اشاره شد، ساحت اول جنگ عادلانه یعنی عدالت در آغاز جنگ دارای شش شرط است که عبارت‌اند از: هدف عادلانه، قصد و نیت صحیح، حاکمیت قانونی دولت و اعلان عمومی، آخرین گزینه، احتمال موفقیت و تناسب. در ادامه برای هر یک از این شروط مصادیقی از متن قرآن کریم ارائه می‌شود.

هدف عادلانه: این شرط مهم‌ترین معیار عادلانه بودن جنگ است. هدف عادلانه بیشتر ناظر بر این شرط است که یک دولت برای دفاع از خود، کشور ثالث یا در حمایت از مردم تحت ستم یک دولت ظالم جنگ را آغاز نماید. در واقع هدف نهایی بایستی رفع ستم و ظلم و دفع تجاوز است. در اسلام توجه خاصی به این شرط وجود دارد و شروطی نیز برای عادلانه بودن هدف بیان شده است. اولین شرط فی سبیل الله بودن است، به طوری که جهاد در قرآن در ده مورد با فی سبیل الله ذکر شده است (Habibzadeh, 2016: 29). در سوره

نساء آیه ۷۴ آمده است: «فَلْيَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا» (یعنی: کسانی که زندگی دنیا را به آخرت فروخته‌اند، باید در راه خدا پیکار کنند و آن کس که در راه خدا پیکار کند و کشته شود و یا پیروز گردد، پاداش بزرگی به او خواهیم داد). مطابق این آیه، جنگی عادلانه است که در راه خدا باشد و جنگ‌های توسعه‌طلبانه، استعماری و استثماري مشروع نیستند. دومین شرط برای عادلانه بودن هدف، تلاش برای نجات محرومان و مستضعفان است. در سوره نساء آیه ۷۵ آمده است: «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا» (یعنی: چرا در راه خدا و (در راه) مردان و زنان و کودکانی که (به دست ستمگران) تضعیف شده‌اند، پیکار نمی‌کنید؟! همان افراد (ستم‌دیده‌ای) که می‌گویند: «پروردگارا! ما را از این شهر (مکه)، که اهلش ستمگرند، بیرون ببر! و از طرف خود، برای ما سرپرستی قرار ده و از جانب خود، یار و یابوری برای ما تعیین فرما). این آیه به خوبی نمایانگر هدف جنگ یعنی نجات محرومان و مستضعفان را نشان می‌دهد. سومین شرط، دفع تجاوز است. در آیه ۱۹۰ سوره بقره آمده است: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (یعنی: و در راه خدا، با کسانی که با شما می‌جنگند، نبرد کنید! و از حد تجاوز نکنید، که خدا تعدی‌کنندگان را دوست نمی‌دارد). همچنین در سوره حج آیه ۳۹ آمده است: «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بَأْنَهُمْ ظَلَمُوا وَ إِنْ اللَّهُ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» (یعنی: به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل گردیده، اجازه جهاد داده شده است؛ چرا که مورد ستم قرار گرفته‌اند و خدا بر یاری آن‌ها تواناست). این دو آیه به خوبی بیانگر شرط دفع تجاوز در عادلانه بودن شروع جنگ است.

قصد و نیت صحیح: این شرط ناظر بر این است که هدف عادلانه برای شروع جنگ کافی نیست و بایستی انگیزه واقعی برای توسل به جنگ نیز به لحاظ اخلاقی درست باشد. در اسلام، قصد و نیت صحیح همانا فی سبیل الله بودن آن است. به شرط فی سبیل الله بودن در هدف عادلانه اشاره شد و در اینجا نیز به آیه‌ای دیگر در این زمینه اشاره می‌شود. در آیه ۷۶ سوره نساء آمده است: «الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا» (یعنی: کسانی که ایمان دارند، در راه خدا پیکار می‌کنند و آن‌ها که کافرند، در راه طاغوت. پس شما با یاران شیطان، پیکار کنید (و از آن‌ها نهراسید)، زیرا که نقشه شیطان ضعیف است). این آیه مصداقی از قصد و نیت صحیح برای عادلانه بودن جنگ است.

حاکمیت قانونی دولت و اعلان عمومی: از آنجا که جنگ یک اقدام جدی است، صدور اعلامیه جنگ نیز بر عهده حاکمیت است. در حقوق اسلامی، تنها خلیفه یا امام اختیار اعلام جنگ را دارد (Ghorbania, 2003:)

46). بنابراین دولت‌های اسلامی نمی‌توانند بدون داشتن اجازه معصوم و یا نایب ایشان به جنگ مبادرت کنند (Haj Esmaili and Habibollahi, 2012: 53). در قرآن این رسالت بر عهده شخص پیامبر گذاشته شده است و در آیات متعددی خداوند پیامبر اکرم (ص) را به جهاد (البته با رعایت شروط ضروری) دعوت کرده است. به عنوان مثال در سوره توبه آیه ۷۳ آمده است: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ» (یعنی: ای پیغمبر با کافران و منافقان جهاد و مبارزه کن و بر آنها بسیار سخت گیر و مسکن و مأوی آنها دوزخ است که منزلگاهی بسیار بد است). همچنین در آیه ۴۱ سوره توبه آمده است: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ». (یعنی: ای پیامبر، مؤمنان را بر جنگ ترغیب کن که اگر بیست نفر از شما صبور و پایدار باشند بر دویست نفر غالب خواهند شد و اگر صد نفر بوده بر هزار نفر از کافران غلبه خواهند کرد، زیرا آنها گروهی بدون دانش هستند).

آخرین گزینه: از برخی از آیه‌های قرآن کریم این گونه مستفاد می‌شود که جنگ و جهاد به عنوان آخرین گزینه و آن هم تحت شرایط خاصی مطرح است. جنگ و جهاد برای پیامبر اکرم (ص) نیز همیشه به عنوان آخرین اقدام مطرح بود. در قرآن کریم دستورات صریحی در اولویت صلح وجود دارد. قرآن کریم تأکید می‌کند که هرگاه گروهی از کفار واقعاً بی‌طرفی برگزیده و در پی مسالمت باشند، مسلمانان بر آنان سلطه‌ای نداشته و حق جنگیدن با آنها را ندارند. در سوره نساء آیه ۹۰ آمده است: «فَإِنْ أَعْتَزَلُوكُمْ فَلَمْ يُقَاتِلُوكُمْ وَالْقَوَا أَلَيْكُمُ الْأَسْلَمُ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا» (یعنی: پس اگر از شما کناره‌گیری کردند و با شما پیکار نمودند، بلکه پیشنهاد صلح کردند، خداوند به شما اجازه نمی‌دهد که متعرض آنان شوید). همچنین در سوره انفال آیه ۶۱ آمده است: «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلَامِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (یعنی: و اگر تمایل به صلح نشان دهند، تو نیز از در صلح درآی؛ و بر خداوند توکل کن، که او شنوا و داناست). این آیه‌ها همراه با آیات متعدد دیگر (به عنوان نمونه سوره بقره آیه ۲۰۸؛ سوره آل عمران آیه ۶۳ و سوره نساء آیه ۱۲۸) نشان‌دهنده اولویت صلح و ابزارهای صلح‌آمیز در اسلام است و جنگ و ابزار خشونت‌آمیز به عنوان آخرین اقدام و تحت شرایط خاصی روا هستند.

احتمال موفقیت: این شرط ناظر این مسئله است که جنگ تنها زمانی باید شروع شود که امکان نیل به هدف میسر باشد. در قرآن نیل به هدف فقط با حمایت خداوند ممکن است و احتمال موفقیت بسته به رضایت خداوند دارد. در سوره آل عمران آیه ۱۶۰ آمده است: «إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذَلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ» (یعنی: اگر خداوند شما را یاری کند، هیچ کس بر شما پیروز نخواهد شد! و اگر دست از یاری شما بردارد، کیست که بعد از او، شما را یاری کند؟! و مؤمنان، تنها بر

خداوند باید توکل کنند). در قرآن کریم تنها جهاد و یا جنگی از نظر خداوند پذیرفته است که فی سبیل الله بوده، با هدف دفع تجاوز و تعدی و حمایت از ستم دیدگان باشد.

تناسب: بررسی هزینه و فایده جنگ و جهاد از دیگر شروط عادلانه بودن ساحت اول جنگ عادلانه یعنی عدالت در آغاز جنگ است. در قرآن یکسری منافع دنیوی و اخروی برای جهادگران ذکر شده است. حفظ آرامش و امنیت در جامعه اسلامی و رستگاری در آخرت از دستاوردهای جهاد ذکر شده است. در سوره عنکبوت آیه ۶۹ آمده است: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» (یعنی: و آن‌ها که در راه ما (با خلوص نیت) جهاد کنند، قطعاً به راه‌های خود، هدایتشان خواهیم کرد و خداوند با نیکوکاران است). همچنین در سوره توبه آیه ۱۱۱ آمده است: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (یعنی: خداوند از مؤمنان، جان‌ها و اموالشان را خریداری کرده، که (در برابرش) بهشت برای آنان باشد؛ (به این گونه که) در راه خدا پیکار می‌کنند، می‌کشند و کشته می‌شوند؛ این وعده حقیقی است بر او، که در تورات و انجیل و قرآن ذکر فرموده؛ و چه کسی از خدا به عهدش وفادارتر است؟! اکنون بشارت باد بر شما، به دادوستدی که با خدا کرده‌اید؛ و این است آن پیروزی بزرگ). در کنار این منافع اخروی، جنگ در اسلام در صورتی عادلانه است که اهداف عادلانه از قبل تعیین شده را نیز محقق سازد.

۲. مسئله حقوق مخاصمات یا عمل جنگ در قرآن (عدالت در حین جنگ)

ساحت دوم جنگ عادلانه یعنی عدالت در حین جنگ دارای شش شرط است که عبارت‌اند از: پیروی از قوانین بین‌المللی، عدم تعرض به غیرنظامیان، تناسب، خوش رفتاری با اسیران جنگی، عدم استفاده از روش‌های ممنوعه و عدم انتقام‌جویی و مقابله به مثل. در ادامه برای هر یک از این شروط مصادیقی از متن قرآن کریم ارائه می‌شود.

پیروی از قوانین بین‌المللی (در زمینه عدم استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی): یکی از آیاتی که در مورد ممنوعیت استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی همواره مورد استناد است، آیه ۱۹۰ سوره بقره است. در این آیه آمده است: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (یعنی: و در راه خدا با آنان که به جنگ و دشمنی شما برخیزند جهاد کنید، لکن از حد تجاوز نکنید که خدا متجاوزان را دوست ندارد). در پاسخ به سؤال که آیا از این آیه می‌توان ممنوعیت سلاح‌های کشتار جمعی را مستفاد کرد یا خیر، فاضل لنکرانی (۱۹: ۲۰۱۳) معتقد است که نهی از اعتدا نهی مطلق است و آیه مذکور از هر گونه اعتدا نهی می‌کند. همچنین، آیه ۲۵ سوره فتح از دیگر موارد مورد مهم در زمینه ممنوعیت سلاح‌های کشتار جمعی از

دیدگاه قرآن کریم است. در این آیه آمده است: «هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَالْهَدْيِ مَعْكُوفًا أَنْ يَبْلُغَ مَحِلَّهُ وَلَوْ لَا رِجَالٌ مُؤْمِنُونَ وَنِسَاءٌ مُؤْمِنَاتٌ لَمْ تَعْلَمُوهُمْ أَنْ تَطَّئُوهُمْ فَتُصِيبَكُمْ مِنْهُمْ مَعَرَّةٌ بِغَيْرِ عِلْمٍ لِيُدْخِلَ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا» (یعنی: هم آنان بودند که کافر شدند و راه مسجدالحرام را بر شما بستند و قربانی شما را از رسیدن به محل خود (مکه) منع کردند. و اگر مردان مؤمن و زنان مؤمنه‌ای که شما اکنون نمی‌شناسید (در مکه) وجود نداشتند که اگر حمله کنید آن‌ها را ندانسته پامال هلاک می‌سازید پس دیه و غرامت خون آن مؤمنان به گردن شما می‌ماند تا خدا هر که را بخواهد در رحمت خود داخل گرداند. اگر (عناصر کفر و ایمان) از یکدیگر جدا بودند همانا کسانی از آنان را که کافرند به عذابی دردناک معذب می‌ساختیم). در این آیه عبارت «لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا» به خوبی گواه اصل تفکیک است که در اسناد حقوق بین‌الملل نیز اخیراً منعکس شده است و تکیه‌گاهی برای استفاده نکردن از سلاح‌های کشتار جمعی است. این موضوع می‌تواند به‌عنوان یکی از موانع دینی کشتار جمعی باشد (Azarakhshi, 2017: 21-2).

عدم تعرض به غیرنظامیان: بر اساس پروتکل الحاقی ۱ فصل چهارم، ماده ۴۸ ژنو، باید همواره غیرنظامیان را از نظامیان و اهداف غیرنظامی را از اهداف نظامی تشخیص داد و در نتیجه عملیات نظامی را فقط به اهداف نظامی معطوف داشت. بر اساس ماده ۵۰ همین پروتکل، هر شخصی که عضو نیروهای مسلح نباشد، غیرنظامی محسوب می‌شود. بر اساس این پروتکل مهم‌ترین اصول حمایت از غیرنظامیان عبارت‌اند از: اصل تفکیک میان نظامیان و غیرنظامیان، ممنوعیت حمله به غیرنظامیان، ممنوعیت ایجاد رعب و وحشت میان غیرنظامیان و اتخاذ تدابیر لازم برای مراقبت از سکنه غیرنظامی. آیه ۲۵ سوره فتح اصل تفکیک را به‌خوبی پوشش می‌دهد که در بخش قبلی نیز بحث شد. اما، مهم‌ترین آیه‌ای که به ممنوعیت حمله به غیرنظامیان اشاره دارد، آیه ۱۹۰ سوره بقره است. در این آیه آمده است: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (یعنی: و در راه خدا، با کسانی که با شما می‌جنگند، نبرد کنید! و از حد تجاوز نکنید، که خدا تعدی‌کنندگان را دوست نمی‌دارد). فیروزی (2013) بحث می‌کند که «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ» بیانگر این است که جنگ و قتال مختص مقاتلین است و قتال با کسانی که با مسلمانان سر جنگ ندارند، اعتدا و تجاوز از حدود الهی است. در ادامه با استناد به تفسیر نمونه می‌افزاید که این عبارت صراحت دارد که این دستور مخصوص مقابله با کسانی است که دست به جنگ مسلحانه می‌زنند و تا دشمن به مقابله و مبارزه برنخیزد، مسلمانان نباید حمله کنند (49).

تناسب: بر اساس این شرط، نیروهای نظامی باید تناسب بین نوع سلاح و هدف تعیین‌شده در آغاز جنگ را رعایت کنند. هدف از برقراری این شرط نوعی محدودسازی صدمات و ضایعات حاصل از جنگ است. با

توجه به اینکه هدف از جهاد در اسلام (دفاع، حمایت از مظلومان و حفاظت و بسط اسلام) متفاوت از دیگر جنگ‌ها است، نوعی توجه ذاتی به شرط تناسب وجود دارد. همچنین آیه ۱۹۰ سوره بقره نیز اشاره مستقیم به اصل تناسب دارد: در این آیه آمده است: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (یعنی: و در راه خدا، با کسانی که با شما می‌جنگند، نبرد کنید! و از حد تجاوز نکنید، که خدا تعدی‌کنندگان را دوست نمی‌دارد). در این آیه به صراحت هرگونه تعدی شامل استفاده از قوه قهریه و خشونت غیرلازم و غیرضروری ممنوع شده است. همچنین در آیه ۸ سوره مائده آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» (یعنی: ای اهل ایمان، برای خدا پایدار و استوار بوده و به عدالت و راستی و درستی گواه باشید، و البته شما را نباید عداوت گروهی بر آن دارد که از راه عدل بیرون روید، عدالت کنید که به تقوا نزدیک‌تر (از هر عمل) است، و از خدا بترسید، که البته خدا به هر چه می‌کنید آگاه است). در این آیه دستور داده شده است که چنانچه مسلمانان ناگزیر به استفاده از سلاح شدند، باید به کمترین خسارت و تلفات اکتفا کنند و عدالت را رعایت کنند.

خوش رفتاری با اسیران جنگی: در قرآن کریم مجموعه‌ای از حقوق برای اسیران در نظر گرفته است. تأمین نیازهای اولیه اسیران جزو اولین حقوق مورد توجه قرآن کریم است. در آیه ۸ و ۹ [سوره انسان](#)، احسان به اسیر از صفات ابرار معرفی شده است: «وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حَبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا، إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا» (یعنی: و به [پاس] دوستی [خدا] بینوا و یتیم و اسیر را خوراک می‌دادند، ما برای خشنودی خداست که به شما می‌خورانیم و پاداش و سپاسی از شما نمی‌خواهیم). آزاد کردن اسیران در قبال چیزی یا بدون فدیة از دیگر حقوق اسیران است. در سوره محمد (ص) آیه ۴ آمده است: «فَإِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ حَتَّىٰ إِذَا أَثْخَتَمُوهُمُ فَشدُّوا الوثاقَ فإِذَا مِنَّا بَعْدُ وَإِذَا فِدَاءٌ حَتَّىٰ تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا» (یعنی: پس چون با کسانی که کفر ورزیده‌اند برخورد کردید گردن‌هایشان - را بزنید تا چون آنان را - در کشتار - از پای درآوردید، پس - اسیران را - استوار دربند کشید سپس یا - بر آنان - منت نهید - و آزادشان کنید - و یا فدیة و عوض از ایشان بگیرید). سومین حقوق اسیران در قرآن کریم، دلجویی و هدایت آنها است. این مسئله موضوع آیه ۷۰ سوره انفال است. در این آیه آمده است: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِمَنْ فِي أَيْدِيكُمْ مِنَ الْأَسْرَىٰ إِنَّ يَعْلَمَ اللَّهُ فِي قُلُوبِكُمْ خَيْرًا يُؤْتِيكُمْ خَيْرًا مِّمَّا أُخِذَ مِنْكُمْ وَيَغْفِرَ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (یعنی: ای پیامبر، به اسیرانی که در دست شما مسلمین‌اند بگو که اگر خدا در دل شما خیر و هدایتی مشاهده کند (و ایمان آورید) در مقابل آنچه از شما گرفته شده بهتر از آن را عطا می‌کند و از گناهان شما می‌گذرد که خدا آمرزنده و مهربان است).

عدم استفاده از روش‌های ممنوعه: روش ممنوعه نظامی عبارت است از مجموعه‌ای از اقدامات مغیر با رفتار انسانی در جنگ که موجب کشته شدن انسان‌های بی‌گناه، کودکان، زنان و سالخورده‌گان و تخریب اموال و دارایی‌های مردم، زجرکش کردن رزمندگان و تخریب محیط‌زیست می‌شود. جعفری (2018) بحث می‌کند که قرآن کریم در ذیل آیات قتال با عبارت «وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» در سوره بقره آیه ۱۹۵ بر مراقبت رزمندگان اسلام از رفتارشان در جنگ صحنه می‌گذارد (78). آیه ۱۹۰ همین سوره نیز نوعی اصل نهی از تعدی و تجاوز است. همچنین، اصل توجه به حفظ محیط‌زیست نیز موردتوجه قرآن است. در سوره بقره آیه ۲۰۵ آمده است: «وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ» (یعنی: و چون برگردد [یا ریاستی یابد] کوشش می‌کند که در زمین فساد نماید و کشت و نسل را نابود سازد و خداوند تباه‌کاری را دوست ندارد). در اینجا کسی که بدون نیاز و ضرورت اقدام به تخریب محیط‌زیست نماید، از مفسدان دانسته شده است.

عدم انتقام‌جویی و مقابله به مثل: غیر مشروع بودن اقدامات تلافی‌جویانه در جنگ در قرآن کریم از دیگر شروط جنگ عادلانه است. اسلام مسلمانان را از دست زدن به اعمالی که در آن موازین تقوا رعایت نشود، یعنی اعمال خلافی که دشمنان به آن کار اقدام می‌کنند، برحذر داشته است (Jafari, 2018: 86). بر همین اساس در سوره مائده آیه ۲ آمده است: «وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ أَنْ صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا» (یعنی: نباید خصومت نسبت به جمعیتی که شما را از آمدن به مسجدالحرام (در جریان حدیبیه) مانع شدند و ادار به تعدی و تجاوز کند (و روح انتقام‌جویی که از رفتار خشونت‌بار دشمن در صحنه حدیبیه مایه می‌گیرد بر شما غلبه کند). همچنین در آیه‌های ۱۲۶ و ۱۲۷ سوره نحل آمده است: «وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِمَّا يَمْكُرُونَ» (یعنی: و اگر به شما مسلمانان کسی عقوبت و ستمی رسانید شما باید به قدر آن در مقابل انتقام کشید (نه بیشتر) و اگر صبوری کنید البته برای صابران بهتر خواهد بود و تو (ای رسول) صبر و تحمل پیشه کن که صبر تو تنها به (توفیق) خداست، و بر آن‌ها (که ترک کفر و عناد نمی‌کنند) غمگین مشو و از مکر و حيله آنان دلتنگ مباش). بر مبنای این فرامین الهی بود که پیامبر اکرم (ص) در جنگ احد دست به عمل تلافی‌جویانه نکردند و مثله کردن را ممنوع کردند (Jafari, 2018: 87).

۳. مسئله عدالت در خاتمه جنگ و برقراری صلح در قرآن

ساحت سوم جنگ عادلانه یعنی عدالت پس از جنگ دارای شش شرط است که عبارت‌اند از: نحوه اعلام صلح، دفاع از حقوق، تفاوت قائل شدن در مجازات، مجازات متجاوز، جبران خسارت و بازسازی و اصلاح. در ادامه برای هر یک از این شروط مصادیقی از متن قرآن کریم ارائه می‌شود.

نحوه اعلام صلح: با توجه به ماهیت متفاوت جهاد در اسلام از دیگر جنگ‌ها، نحوه اعلام صلح در اسلام نیز به تبعیت از ماهیت دعوت به اسلام توسط پیامبر اکرم (ص) به صورت عمومی بوده است. نحوه اعلام صلح چه در نتیجه جنگ و چه در نتیجه مذاکره به صورت عمومی بوده است. به عنوان مثال در ارتباط با نوع اول در آیه ۲۸ سوره سبا آمده است: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (یعنی: و ما تو را جز برای اینکه عموم بشر را (به رحمت خدا) بشارت دهی و (از عذابش) بترسانی نفرستادیم، و لیکن اکثر مردم (از این حقیقت) آگاه نیستند). در ارتباط با نوع دوم و حصول صلح از طریق مذاکره (پیمان صلح حدیبیه) نیز در سوره فتح آیه ۱ آمده است: «إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا» (یعنی: ما برای تو پیروزی آشکاری فراهم ساختیم) و در ادامه در آیه ۴ همین سوره آمده است: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا» (یعنی: اوست خدایی که سکینت و وقار بر دل‌های مؤمنان آورد تا بر یقین و ایمانشان بیفزاید و سپاه قوای آسمان‌ها و زمین همه لشکر خداست و خدا دانا و به حکمت نظام آفرینش آگاه است).

دفاع از حقوق: جنگ به عنوان یکی از مهم‌ترین تهدیدات علیه حقوق مادی و معنوی هر جامعه‌ای مطرح است. بر همین اساس سعی می‌شود با استیفای حقوق مردم جنگ‌زده پس از اتمام جنگ اندکی از مصائب آن کم شود. مهم‌ترین حقوقی که برای مسلمانان آسیب‌دیده از جنگ تعریف شده است عبارت‌اند از: مجازات عاملان اصلی جنگ، توسعه مکانیسم‌های تأمین امنیت و حقوق اساسی جامعه انسانی از طریق ایجاد ساختارهای جدید و ایجاد مکانیسمی برای جبران خسارت است. مصادیق قرآنی برای هر یک از این حقوق مردم خسارت‌دیده از جنگ در شروط پایین بحث شده است.

تفاوت قائل شدن در مجازات: تفاوت قائل شدن در مجازات در اصل تناسب بین جرم و مجازات در اسلام نمود یافته است (Daneshpajoo et al., 2016: 139). در آیاتی از قرآن کریم این اصل انعکاس یافته است. به عنوان مثال در آیه ۴۰ سوره شوری آمده است: «وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ» (یعنی: و انتقام بدی (مردم) به مانند آن بد، رواست (نه بیشتر) و باز اگر کسی عفو کرده و (بین خود و خصم خود را به عفو) اصلاح نمود اجر او بر خداست، که خدا ستمکاران را هیچ دوست نمی‌دارد). نمونه عملی این امر در مجازات برخی از افراد خاص پس از فتح مکه و فرمان عمومی برای مردم عامه توسط پیامبر اکرم (ص) بود (e.g. Ibn Hisham, vol. 2, 1996). این اقدام پیامبر به خوبی توجه اصل تفاوت قائل شدن در مجازات را نشان داد.

مجازات متجاوز: از آنجا که فلسفه جنگ و جهاد در اسلام متفاوت از دیگر جنگ‌ها است، چگونگی مجازات متجاوزان نیز متفاوت است. در وهله جذب گروه شکست‌خورده و تلاش برای اسلام آوردن این

گروه‌ها مدنظر بوده است. بر همین اساس توجه به رعایت اصول انصاف و عدالت و بخشش در دوره پس از جنگ ملاک‌های مجازات گروه متخاصم بوده است. به همین دلیل آیاتی مانند اعتدا، معاقبه و جزای سیئه نازل شده است. در آیه ۱۹۴ سوره بقره به رعایت عدالت در این زمینه اشاره شده است: «فَمَنْ اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ» (یعنی: هر که به ستم بر شما تعدی کرد او را از پای در آورید به قدر ستمی که به شما رسانده است، و از خدا پروا کنید و بدانید که خدا با پرهیزکاران است). آیه ۱۲۶ سوره نحل نیز به رعایت عدالت و در صورت امکان صبوری (بخشش) اشاره دارد: «وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ» (یعنی: و اگر به شما مسلمانان کسی عقوبت و ستمی رسانید شما باید به قدر آن در مقابل انتقام کشید (نه بیشتر) و اگر صبوری کنید البته برای صابران بهتر خواهد بود). آیه ۴۰ سوره شوری نیز به جزای سیئه اشاره دارد: «وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ» (یعنی: و انتقام بدی (مردم) به مانند آن بد رواست (نه بیشتر) و باز اگر کسی عفو کرده و (بین خود و خصم خود را به عفو) اصلاح نمود اجر او بر خداست، که خدا ستمکاران را هیچ دوست نمی‌دارد). همچنین در آیه ۱۶۰ سوره انعام آمده است: «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَلِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَىٰ إِلَّا مِثْلُهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ» (یعنی: هر کس کار نیکو کند او را ده برابر آن خواهد بود و هر کس کار زشت کند به قدر کار زشتش مجازات شود و بر آن‌ها اصلاً ستم نخواهد شد).

جبران خسارت: در برخی از آیات قرآن به شیوه جبران خسارت اشاره شده است. این آیه‌ها در ابتدا به رعایت عدالت و همچنین صبوری (بخشش) در تعیین میزان خسارت دعوت می‌کنند. آیه ۱۹۴ سوره بقره به رعایت عدالت در جبران خسارت اشاره دارد: «فَمَنْ اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ» (یعنی: هر که به ستم بر شما تعدی کرد او را از پای در آورید به قدر ستمی که به شما رسانده است، و از خدا پروا کنید و بدانید که خدا با پرهیزکاران است). آیه ۱۲۶ سوره نحل نیز به رعایت عدالت و در صورت امکان صبوری (بخشش) تعیین میزان خسارت اشاره دارد: «وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ» (یعنی: و اگر به شما مسلمانان کسی عقوبت و ستمی رسانید شما باید به قدر آن در مقابل انتقام کشید (نه بیشتر) و اگر صبوری کنید البته برای صابران بهتر خواهد بود). با رعایت دو اصل اساسی بالا، در معاهدات صلح منعقدشده پس از پیروزی مسلمانان نیز، امنیت عمومی نسبت به دشمن در ازای پرداخت جزیه تضمین می‌شده است. در آیه ۲۹ سوره توبه آمده است: «قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ» (یعنی: (ای اهل ایمان) با هر که از اهل کتاب که

ایمان به خدا و روز قیامت نیاورده و آنچه را خدا و رسولش حرام کرده حرام نمی‌دانند و به دین حق نمی‌گروند جهاد کنید تا آن‌گاه که با دست خود با ذلت و تواضع جزیه دهند).

بازسازی و اصلاح: اصلاح زیرساخت‌های عقیدتی، اقتصادی، سیاسی و نظامی قلمروهای فتح‌شده توسط مسلمانان از صدر اسلام مورد توجه بوده است. نمونه بارز این امر پس از فتح مکه نمود یافت، به‌طوری‌که پس از فتح مکه، پیامبر اکرم (ص) پس از صدور عفو عمومی (سوره یوسف، آیه ۹۲)، اقدام به ساختارزدایی از تمامی سیستم‌های قبلی کرد و ساختارهای حکومت اسلامی -که قبلاً در مدینه‌النبی نیز ایجاد شده بود- را در این شهر نیز تأسیس کرد (e.g. Qavami, 2002 and Nejati, 2021).

≠ بحث و نتیجه‌گیری

جنگ و دیگر رفتارهای خشونت‌آمیز سبب کشته شدن انسان‌های بی‌گناه و فاقد توانایی دفاع مانند زنان و سالخورده‌گان و همچنین تخریب محیط‌زیست می‌شود. پس از ظهور اسلام در شبه‌جزیره عربستان، مفهوم جنگ متحول شد و مفهومی تحت عنوان جهاد توسعه یافت (Nazifi and Asghari, 2011: 202). این تحول در راستای ماهیت و هدف دین اسلام بود. اعتقاد بر این است که جنگ آمیخته به خشونت، بی‌رحمی، انتقام‌جویی و نفی کرامت انسانی و ... است و با هدف حفظ قدرت و جاه‌طلبی صورت می‌گیرد، اما جهاد در مفهوم اسلامی از این اهداف مبرا است. برای کنترل و نظارت هر چه بیشتر بر امر جهاد و کم و کیف آن نیز اصولی بسط یافته است تا انعکاس عادلانه بودن آن باشد. بر همین اساس ساحت‌های مختلف جنگ عادلانه و شروط هر کدام از این ساحت‌ها در متن قرآن کریم قابل مشاهده است.

اولین ساحت جنگ عادلانه موجود توجه قرآن کریم، ساحت عدالت پیش از شروع است. هدف عادلانه، مهم‌ترین معیار عادلانه بودن جنگ است. در اسلام توجه خاصی به این شرط وجود دارد و معیارهایی نیز برای عادلانه بودن هدف بیان شده است. اولین معیار، فی سبیل الله بودن (موضوع آیه ۷۴ سوره نساء)، دومین معیار، تلاش برای نجات محرومان و مستضعفان (موضوع آیه ۷۵ سوره نساء) و سومین معیار، دفع تجاوز است (موضوع آیه ۱۹۰ سوره بقره). قصد و نیت صحیح، دومین شرط برای عادلانه بودن ساحت اول جنگ است. در اسلام، قصد و نیت صحیح همانا فی سبیل الله بودن آن است که در آیه ۷۶ سوره نساء به آن توجه شده است. حاکمیت قانونی دولت و اعلان عمومی سومین شرط در این زمینه است. در قرآن این رسالت بر عهده شخص پیامبر گذاشته شده است و در آیات متعددی خداوند پیامبر اکرم (ص) را به جهاد (البته با رعایت شروط ضروری) دعوت کرده است (به‌عنوان مثال آیه ۷۳ سوره توبه و آیه ۴۱ سوره توبه). شرط چهارم برای عادلانه بودن ساحت اول جنگ، آخرین گزینه است. از برخی از آیه‌های قرآن کریم این‌گونه مستفاد می‌شود که جنگ و جهاد به‌عنوان آخرین گزینه و آن‌هم تحت شرایط خاصی مطرح است. آیه ۹۰

سوره نساء و آیه ۶۱ سوره انفال تأییدی بر این ادعا هستند. احتمال موفقیت شرط بعدی برای عادلانه بودن ساحت اول جنگ است. در قرآن نیل به هدف فقط با حمایت خداوند ممکن است و احتمال موفقیت به رضایت خداوند بستگی دارد که در سوره آل عمران آیه ۱۶۰ به آن اشاره شده است. تناسب، آخرین شرط برای عادلانه بودن ساحت اول جنگ عادلانه است. در قرآن یکسری منافع دنیوی و اخروی برای جهادگران ذکر شده است. حفظ آرامش و امنیت در جامعه اسلامی و رستگاری در آخرت از دستاوردهای جهاد ذکر شده است (موضوع آیه ۶۹ سوره عنکبوت و آیه ۱۱ سوره توبه).

ساحت دوم جنگ عادلانه یعنی عدالت در حین جنگ نیز دارای شش شرط است که پیروی از قوانین بین‌المللی (در زمینه عدم استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی) اولین مورد در این زمینه است که در آیه ۱۹۰ سوره بقره و آیه ۲۵ سوره فتح به آن توجه شده است. دومین شرط، عدم تعرض به غیرنظامیان است که در آیه ۲۵ سوره فتح و آیه ۱۹۰ سوره بقره به این شرط به خوبی توجه شده است. سومین شرط، تناسب است. هدف از برقراری این شرط نوعی محدودسازی صدمات و ضایعات حاصل از جنگ است که در آیه ۱۹۰ سوره بقره و همچنین در آیه ۸ سوره مائده بدان پرداخته شده است. خوش رفتاری با اسیران جنگی، چهارمین شرط در این ساحت است. در قرآن کریم مجموعه‌ای از حقوق برای اسیران در نظر گرفته است و آیات ۸ و ۹ سوره انسان، آیه ۴ سوره محمد (ص) و آیه ۷۰ سوره انفال گواهی بر این ادعا است. عدم استفاده از روش‌های ممنوعه شرط پنجم در این زمینه است. سوره بقره آیه ۱۹۵ بر مراقبت رزمندگان اسلام از رفتارشان در جنگ صحنه می‌گذارد و آیه ۱۹۰ همین سوره نیز نوعی اصل نهی از تعدی و تجاوز است. همچنین، اصل توجه به حفظ محیط زیست نیز در سوره بقره آیه ۲۰۵ مورد توجه قرآن است. عدم انتقام جویی و مقابله به مثل آخرین شرط عادلانه بودن ساحت دوم جنگ است. آیه ۲ سوره مائده و آیات ۱۲۶ و ۱۲۷ سوره نحل مسلمانان را از انتقام جویی در جنگ برحذر داشته است.

ساحت سوم جنگ عادلانه یعنی عدالت پس از جنگ نیز دارای شش شرط است که نحوه اعلام صلح اولین شرط آن است. با توجه به ماهیت متفاوت جهاد در اسلام از دیگر جنگ‌ها، نحوه اعلام صلح در اسلام نیز به تبعیت از ماهیت دعوت به اسلام توسط پیامبر اکرم (ص) به صورت عمومی بوده است که در آیه ۲۸ سوره سبا و نیز در آیه ۱ سوره فتح به آن اشاره شده است. دفاع از حقوق دومین شرط در این زمینه است. مهم‌ترین حقوقی که برای مسلمانان آسیب دیده از جنگ تعریف شده است عبارت‌اند از: مجازات عاملان اصلی جنگ، توسعه مکانیسم‌های تأمین امنیت و حقوق اساسی جامعه انسانی از طریق ایجاد ساختارهای جدید و ایجاد مکانیسمی برای جبران خسارت است. سومین شرط در این ارتباط، تفاوت قائل شدن در مجازات است که در آیاتی از قرآن کریم این اصل انعکاس یافته است (به عنوان مثال آیه ۴۰ سوره شوری). مجازات متجاوز شرط

بعدی در این زمینه است. توجه به رعایت اصول انصاف و عدالت و بخشش در دوره پس از جنگ ملاک‌های مجازات گروه متخاصم بوده است. به همین دلیل آیاتی مانند اعتدا، معاقبه و جزای سیئه نازل شده است. جبران خسارت، شرط پنجم برای عادلانه بودن ساحت سوم جنگ عادلانه است. در برخی از آیات قرآن مانند آیه ۱۹۴ سوره بقره، آیه ۱۲۶ سوره نحل و آیه ۲۹ سوره توبه به این اصل توجه شده است. بازسازی و اصلاح آخرین شرط ساحت سوم است. اصلاح زیرساخت‌های عقیدتی، اقتصادی، سیاسی و نظامی قلمروهای فتح شده توسط مسلمانان از صدر اسلام مورد توجه بوده است. نمونه بارز این امر پس از فتح مکه نمود یافت، به طوری که پس از فتح مکه، پیامبر اکرم (ص) پس از صدور عفو عمومی (سوره یوسف، آیه ۹۲)، اقدام به ساختارزدایی از تمامی سیستم‌های قبلی کرد و ساختارهای حکومت اسلامی جدیدی در مکه ایجاد کرد.

به صورت خلاصه، بایستی عنوان کرد که دین اسلام اصولی برای جنگ عادلانه توسعه داده است که این اصول در حقوق بین الملل معاصر نیز اخیراً مورد توجه جدی قرار گرفته است. همچنان که به تفصیل بحث شد، جنگ عادلانه در سه ساحت (قبل، حین و پس از جنگ) و ۱۸ شرط قابل بررسی است و بررسی‌های این پژوهش نشان داد که این سه ساحت و ۱۸ شرط آن مورد توجه قرآن کریم بوده است و مصادیقی از این شروط در آیات مختلف قابل مشاهده است. امید است این اصول و اصولی مشابه بتواند خواست اساسی تمامی ادیان و مهم‌تر از همه دین اسلام در زمینه کنترل و نظارت بر رفتار خشونت‌آمیز و علی‌الخصوص جنگی انسان و اعتلای صلح و امنیت جهانی را تحقق بخشد.

کتابنامه

- Azarakhshi, Mostafa. (2017). The implications of verses and traditions on the illegality of mass killings. *Qur'an and Hadith Researches*, first issue, pp. 9-24 [in Persian].
- Daneshpajoo, Vahab and et al. (2016). Criminalization of Quran and rationality. *Jurisprudential foundations of Islamic law*, year 9, no. 17, pp. 129-56 [in Persian].
- Fazel Lankarani, Mohammad Javad. (2013). Production and use of weapons of mass destruction from the perspective of Islamic jurisprudence. *Islamic Law Quarterly*, Year 10, no. 29, pp. 7-33 [in Persian].
- Firouzi, Mehdi. (2013). No killing of non-combatants, the jurisprudential rule of immunity of civilians in armed conflicts. *Journal of Exploration in Islamic jurisprudence*, year 20, no. 4, pp. 43-63 [in Persian].
- Ghorbannia, Naser. (2003). Laws of war in Islam. *Rawaq-e Andisheh Magazine*, no. 22, pp. 27-58 [in Persian].
- Habibzadeh, Tavakol. (2016). Jihad in Islam as the concept of responsibility for support. *Islamic Public Law Quarterly*, no. 1, pp. 46-27 [in Persian].

- Haj Esmaili, Mohammadreza and Habibollahi, Mehdi. (2012). Study and theoretical analysis of war ethics in Quran and Hadith. Quarterly of Research Journal of Ethics, year 5, no. 15, pp. 56-31 [in Persian].
- Heywood, A. (2011). Global politics: Palgrave Macmillan.
- Ibn Hisham, Abdul Malik bin Hisham. (1996). The life of Muhammad (PBUH), the Prophet of Islam. Vol. 2. Translated by: Seyedhashem Rasouli. Kitabchi Press [in Persian].
- Jafari, Seyed Asghar. (2018). Prohibited military principles in armed conflicts based on military practice. Quarterly Journal of Interdisciplinary Studies of Strategic Knowledge, Year 8, no. 3, pp. 67-94 [in Persian].
- Karimi, Mahdi. (2022). Conceptual explanation of peace ecology. Political Spatial Planning, Vol. 4, no. 4, pp. 351-362 [in Persian].
- Khaduri, Majid and Heydarabadi, Hamidollah. (2012). War and peace in Islamic law. Translated by: Seyed Gholamreza Saeedi and Hadi Khosrovshahi. Ettela'at Press [in Persian].
- Legenhausen, Muhammad. (2008). Islam and Just War Theory. Journal of Religious Thought. A Quarterly of Shiraz University, No. 26, 3-34.
- Levy, J. S., & Thompson, W. R. (2011). Causes of war: John Wiley & Sons.
- Mahdavian, Alireza and Eftekhari, Asghar. (2018). Indices of just war in the military history of Imam Ali. Islamic History Studies, Year 10, no.28, pp. 161-187 [in Persian].
- Nazifi, Abbas and Jafari, Seyyed Asghar. (2011). An analytical look at armed conflicts in two perspectives: Islam and international law. Judicial Law Perspectives, no. 54, pp. 179-230 [in Persian].
- Nejati, Mohammad Saeed. (2021). An analytical look at the details of the conquest of Mecca. Miqat-e Hajj Quarterly, no. 117, pp. 99-120 [in Persian].
- Noormohammadi Najafabadi, Mohammad and et al.,. (2018). The theory of just war and morality in war among Muslims. Journal of Islamic History and Civilization, year 14, no. 27, pp. 127-97 [in Persian].
- Orend, Brian. (2004). War Ethics. Stanford University Encyclopedia of Philosophy.
- Qavami, Seyed Samsamoddin. (2002). The structure of the government of the Prophet (PBUH). Islamic Government, No. 23 [in Persian].
- Rahimi, Hassan. (2018). Overview of the aims and nature of war in Islam and other religions and schools. Quarterly of Defense Management and Research, year 17, no. 86, pp. 103-130 [in Persian].
- Sheibani, Muhammad bin Hassan, Shafe'i, Muhammad Hassan Ismail, Shams-al-Aima Sarkhsi, Muhammad bin Ahmad, and Anani, Kamal Abdulazim. (1997). Commentary on the book "Al-Seir al-Kabir" by Imam Muhammad bin Al-Hassan Al-Shibani. Vol. 5, Beirut - Lebanon: Dar al-Katb al-Elmiya.
- Summary of the Geneva Conventions and Additional Protocols. (1949). Access date: 17 January 2022. Available online at: https://www.icrc.org/en/doc/assets/files/other/icrc-241_0368-summary-geneva-conventions-fas.pdf [in Persian].